

نیازسنجی آموزشی کارآفرینانه محور برنامه درسی علوم ورزشی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های استان مرکزی)

زینب مندعلی زاده^۱، اسفندیار خسروی زاده^۲

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه اراک (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار مدیریت ورزشی، دانشگاه اراک

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر نیازسنجی آموزشی کارآفرینانه محور برنامه درسی علوم ورزشی در دانشگاه‌های استان مرکزی بود. فرایند نیازسنجی مبتنی بر مدل ویتکین و آلتسچود (۲۰۱۰) بود. روش تحقیق در دو بخش کمی و کیفی انجام شد. جامعه آماری تحقیق، دانشجویان کارشناسی و استادان علوم ورزشی بود. نمونه آماری در بخش کمی شامل ۱۴۸ نفر و در بخش کیفی (پانل دلفی) ۸ نفر بود. روش نمونه‌گیری در بخش کمی، تصادفی طبقه‌ای و در بخش کیفی، موارد حاد بود. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های وضعیت آموزشی کارآفرینانه، پرسشنامه اهداف برنامه درسی و نیازهای آموزشی (محقق ساخته) استفاده شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها توسط ۱۰ نفر از متخصصان و ضریب پایایی هر یک بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب (۰/۹۰۲، ۰/۹۰ و ۰/۸۴۰) مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد وضعیت آموزشی کارآفرینانه در برنامه درسی علوم ورزشی در استان مرکزی از دید دانشجویان نامطلوب بوده است. اولویت نیازهای آموزشی کارآفرینانه به ترتیب مربوط به نیازهای ساختاری، کارورزی و مهارت‌های کار گروهی بود. بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه و برنامه درسی فعلی ارتباط معناداری وجود نداشت. با توجه به نیازهای آموزشی به دست آمده و بر اساس رویکرد دلفی، پیشنهادات آموزشی در سه سطح دانشجویان، ساختاری و اساتید به دست آمد. در نتیجه به نظر می‌رسد نیاز به بازنگری برنامه درسی و ساختارها به منظور توسعه کارآفرینی ضروری است.

واژگان کلیدی: نیازسنجی، برنامه درسی، کارآفرینی، استان مرکزی، علوم ورزشی

1 Email: z-mondalizade@araku.ac.ir

2. Email: es70kh@yahoo.co.uk

مقدمه

امروزه کارآفرینی به عنوان راهبردی اثربخش در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته شده است. توسعه اقتصاد ملی به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر فعالیت‌های کارآفرینانه قرار دارد (احمدپور داریانی، شیخان و رضازاده، ۱۳۸۳). کارآفرینی ایجاد ارزش به واسطه به‌کارگیری منابع منحصربه‌فرد و اکتشاف فرصت‌ها در راستای توسعه و ایجاد کسب و کارها و مخاطرات نوآورانه است (کوراتکو و هاجتس، ۲۰۰۱). توسعه جوامع، فرصت‌های زیادی را برای کارآفرینی فراهم کرده است. ایجاد شغل‌های جدید، نوآوری در محصولات و خدمات و تبدیل کمبودها به فرصت‌هایی برای اشتغال یا ایجاد بازار کار جدید، مسائلی است که در کارآفرینی می‌توان به آنها پرداخت.

ورزش نیز به عنوان یک صنعت از کارآفرینی بهره می‌برد، در حقیقت ورزش یک صنعت پویا و منحصربه‌فرد است که ذاتاً و از جنبه‌های مختلف کارآفرین است. کارآفرینی، نقش برجسته‌ای در ورزش جهت ایجاد مزیت رقابتی دارد (سیلیتی و چادویک، ۲۰۱۳). افزایش کارآفرینی ورزشی در جامعه نمایانگر پیدایش فرصت‌های جدید در افزایش تبادل بین ورزش و حوزه‌های تحصیلی است. در حقیقت، رشته‌های تحصیلی در شناخت افراد از نوآوری، رقابتی بودن و خطرپذیری در ورزش نقش دارند (رتن و فراری، ۲۰۱۷). در نتیجه، شناسایی فرصت‌های کارآفرینانه در ورزش در گرو شناخت، یادگیری و آموزش‌های لازم به همراه رویکردهای شناخت محیطی است.

لازمه کارآفرینی، داشتن دانش، مهارت، انگیزه و نگرش به کارآفرینی است. مهارت و دانش کارآفرینانه به‌گونه‌ای به هم مرتبط و درهم تنیده هستند (راکسس، کایوکا-پایزلز، دجساس، ۲۰۰۸) و به عنوان مفاهیم، مهارت و اندیشه‌ای که کارآفرینان استفاده و یا باید استفاده کنند توصیف شده است (جک و اندرسون، ۱۹۹۹). علاوه بر این آموزش‌های کارآفرینی به ایجاد انگیزش در افراد برای موفقیت، ایجاد و اشاعه فرهنگ کارآفرینی کمک می‌کند. در حقیقت آموزش رکن توسعه است. توسعه یافتگی کشورها به کارآمدی نظام آموزشی وابسته است و کارآمدی نظام آموزشی به میزان زیادی بستگی به برنامه درسی و سیستم آموزشی آن دارد. در این راستا طی دهه‌های اخیر توجه بسیاری از کشورها به کارآفرینی و آموزش آن در تمامی مقاطع تحصیلی بوده است. زیرا منشأ برخی از کارآفرینی‌ها در جامعه امروز، به فارغ‌التحصیلان توانمند برمی‌گردد. اما آنچه امروزه، توجه سیاستمداران را به خود جلب کرده است و به عنوان مهمترین معضل برای اقتصاد و جامعه

-
1. Kuratko & Hodgetts
 2. Cilietti & Chadwick
 3. Ratten & Ferreira
 4. Roxas, Cayoca-Paizales, de Jesus
 5. Jack & Anderson

شناخته شده است بحث بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی است. به‌گونه‌ای که کشور ما به دلیل عدم توانایی جذب دانش‌آموختگان و عدم توانمندی فارغ‌التحصیلان در اقتصاد با مشکل مواجه شده است (دباغ، ۱۳۸۴) و در دهه حاضر از بزرگترین و مهمترین مشکلات و چالش‌ها برای نیروی انسانی تحصیل کرده ورزش کشور، کارآفرینی و کاهش بیکاری است. این موضوع که دانشجویان در رشته‌های علوم ورزشی نتوانند از توانمندی‌های خود برای راه‌اندازی کسب‌وکاری استفاده کنند معضلی است که در این راستا لزوم توجه به وضعیت آموزش کارآفرینی و دانستن نیازهای دانشجویان را دوچندان می‌سازد.

آموزش کارآفرینی و یا بحث کارآفرینی در دانشگاه به معنای اندیشیدن به فضای کسب‌وکار، ایده و رسیدن به بازار ایده است. آموزش کارآفرینی از انواع تجاربی تشکیل شده است که به دانشجویان توانایی، چشم‌انداز، چگونگی دستیابی و تغییر دادن فرصت‌های متفاوت را می‌دهد. آموزش کارآفرینی فراتر از ایجاد شغل است (رفات، ۲۰۰۹). در این راستا، باید توجه داشت آموزش‌های کارآفرینی همیشه نمی‌تواند برای همه دانشجویان در تحصیل و بعد از فارغ‌التحصیلی نتایج مشابهی داشته باشد. اما با این حال لزوم توجه به آموزش کارآفرینی و ایجاد انگیزه برای جهت دادن به رفتار کارآفرینانه با ارزش است و امروزه در بسیاری از کشورها به آموزش کارآفرینی و ایجاد جو کارآفرینی در دانشگاه‌ها اهمیت داده می‌شود. در حقیقت آموزش کارآفرینی در حال تحول است (ولش، تولار، نمتی، ۲۰۱۶) و آموزش کارآفرینی در فرایند ارائه استراتژی‌های شناختی به دانشجویان نقش مهمی ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که دانشجویان را قادر می‌سازد تا رویکردی که منجر به موفقیت کسب‌وکار را می‌شود درک کنند. مادامی که جوانان اهداف فردی بدون استراتژی شناختی لازم را داشته باشند، اهداف آنها تنها یک رؤیا است. آموزش کارآفرینی می‌تواند مسیری را برای رسیدن به اهداف آنها نشان دهد. علاوه بر این آموزش کارآفرینی می‌تواند تکنیک‌های حل مسئله را برای کمک به دانشجویان فراهم آورد. به عنوان مثال، بخشی از آموزش موفق کارآفرینی به تشویق جوانان به گفتن داستانی در مورد راهی برای ایجاد هویت بالغ خود است. این روش مهمی برای ایجاد یکپارچگی، خود پنداره مثبت و افزایش اعتمادبه‌نفس است. حمایت از دانشجویان برای ترسیم و سپس بیان روایت بسیار با اهمیت است (ولش، تولار و نمتی، ۲۰۱۶).

با توجه به اهمیت آموزش کارآفرینی و ایجاد جو کارآفرینانه در دانشگاه‌ها، فهمیدن نیازهای آموزشی دانشجویان از ابعاد مختلف می‌تواند خلأهای موجود در فرایندهای و شیوه‌های آموزشی را در راستای رسیدن به اهداف کارآفرینی شناسایی کند و برای برطرف کردن آن راهبردهایی تدوین

-
1. Refaat
 2. Welsh, Tullar, Nemati

نماید. در این میان، توجه به نیازهای آموزشی یکی از مؤلفه‌های مهم در بسیاری از حوزه‌ها است که با برنامه‌ریزی و تدارک پشتیبانی به اهداف و مقاصد معینی می‌رسد. در حقیقت، شناسایی نیازها، اولویت‌بندی و به‌کارگیری راهبردهای آموزشی متناسب با آن تحت عنوان نیازسنجی در علوم اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. درک و اهمیت نقش نیازسنجی در این حوزه‌ها سبب شده است که حتی برخی از صاحب‌نظران، توسعه علوم اجتماعی را انعکاسی از شناسایی و تحقق نیازها تلقی نمایند (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۲). از دیدگاه آلتسچود و ویتکن^۱ (۲۰۰۰)، نیازسنجی فرایند شناسایی نیازها، اولویت‌بندی آنها، تصمیم‌گیری بر اساس نیازها، اختصاص منابع و اجرای عملکردهای سازمانی برای حل مشکلات است. زمانی که نیازها شناسایی می‌شوند، آنگاه تصمیماتی درباره چگونگی اختصاص منابع گرفته می‌شود (آلتسچود و کومار^۲، ۲۰۱۰). تعیین نظام‌مند نیازهای آموزشی به منظور توسعه کارآفرینی و توانمندی دانشجویان به عنوان مبنایی جهت برنامه‌ریزی و تدوین محتوای آموزشی و یادگیری برای مسئولان و برنامه‌ریزان از اهمیت زیادی برخوردار است. در حقیقت، نیازسنجی شناسایی این نیازها، تحلیل نیازها و نیازسازی بر اساس الگوی جامع است (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۲).

تحقیقات پراکنده‌ای در مورد رویکردهای نیازسنجی آموزش کارآفرینی صورت گرفته است. در این راستا، کواری و حسینی (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای به نیازسنجی دوره‌های آموزشی مورد نیاز و پیشنهادی به‌منظور ایجاد کارآفرینی و کاریابی در دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های علوم پزشکی جنوب کشور پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد نیازهای آموزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان متناسب با بازار کار تغییرات چشمگیری داشته و کمبود توجه دانشجویان به مقوله خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی و اصرار دانشجویان به کسب مشاغل دولتی نشان از ضعف سیستم آموزشی در ایجاد روحیه خلاق و کارآفرین دارد. شائمی، اعتباریان و خیرمند (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای، نیازسنجی آموزشی زنان کارآفرین شهر اصفهان را مورد بررسی قرار داد. این مطالعه نیازهای آموزشی زنان را در پنج بُعد در نظر گرفت که عبارت بودند از: بازاریابی، مدیریت مالی و حسابداری، حقوقی و قانونی، مدیریت تولید و عملیات و مدیریت منابع انسانی. صفری و سمیع‌زاده (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای نیازسنجی آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تقریباً در همه رشته‌های علوم انسانی، وضعیت آموزش کارآفرینی چه از دید دانشجویان و چه از دید استادان دارای وضعیت نامناسبی است. از نظر ایشان، مواد، محتوا و برنامه‌های فرعی علمی آموزشی و حتی شیوه‌های تدریس در رشته‌های علوم انسانی

1. Withkin & Altschuld
2. Altschuld & Kumar

در انتقال مفاهیم کارآفرینی و کسب‌وکار به دانشجویان وضعیت مناسبی ندارد. بدری آذین (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی نیازهای آموزشی فناوری اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) اعضای هیئت‌علمی گروه‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌ها پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد اعضای هیئت‌علمی به منظور بهره‌گیری مؤثر از ICT در فرایند آموزش و تحقیق به آموزش مقدماتی در حد متوسط و آموزش تخصصی در حد بالا نیاز دارند. گودرزی، جلالی فراهانی، رجبی و حمیدی (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای به طراحی و تدوین الگوی توسعه مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان مدیریت ورزشی کشور پرداختند. ایشان مهارت‌های مورد نیاز را به چهار دسته مهارت‌های محیطی، تجاری، مدیریتی و فنی تقسیم‌بندی کرد. بر اساس یافته‌های تحقیق بیشترین تبیین‌کننده، مهارت‌های محیطی بود.

ازجمله مطالعات خارجی تحقیق پولیتز^۱ (۲۰۰۵) است که در مطالعه‌ای بر اساس بازنگری تحقیقات انجام شده، مدل مفهومی یادگیری کارآفرینانه را تدوین کرد. ازجمله عناصر این مدل عبارت بود از تجارب شغلی کارآفرینانه، فرآیند تغییر و دانش کارآفرینانه به معنی اثربخشی در شناخت و به‌کارگیری فرصت‌های کارآفرینانه و مدیریت مسائل تازه مرتبط با کسب‌وکار. وی نتیجه می‌گیرد تجارب به‌دست‌آمده کارآفرینان به‌طور مثبتی بر توسعه دانش کارآفرینی مرتبط است و هر چه تجارب حاصل از یادگیری بیشتر باشد در شناخت و عملکرد کارآفرینانه اثر مثبت‌تری دارد. تاتیل^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها پرداخته و چند مطالعه موردی از محیط یادگیری کارآفرینانه را مورد تحلیل قرار داد. وی به این نتیجه رسید یکی از چالش‌های آموزشی این است که شایستگی کارآفرینانه، جامع‌تر و روان‌شناختی‌تر از مهارت‌های موضوع-محور سنتی است. مهارت‌های کارآفرینی از طریق پروژه‌های توسعه‌ای جهان واقعی یاد گرفته می‌شوند. وی نتیجه می‌گیرد آموزش کارآفرینانه باید به‌طور کامل بازنگری و تغییر پیدا کند. علاوه بر این فرایند کارآفرینانه نیاز به بازنگری دارد تا توسعه مهارت برای کارآفرینی را بهبود بخشد. ازجمله پیشنهادها حاصل از این تحقیق این بود که مؤسسات آموزش عالی باید برای دانشجویان فرصت-های یادگیری را در کسب‌وکارها فراهم کنند و اثر آموزش کارآفرینی را افزایش دهند. علاوه بر این آموزش کارآفرینی باید دانشجو محور باشد و به دانشجویان برای مطالعه دنیای واقعی اجازه دهد. در واقع از نظر وی، مؤسسات آموزش عالی باید فلسفه آموزش را فراهم کنند و رویکرد کاربردی‌تری را مورد حمایت قرار دهند. یوسف^۳ (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای به بررسی نیازهای حمایتی کارآفرینان

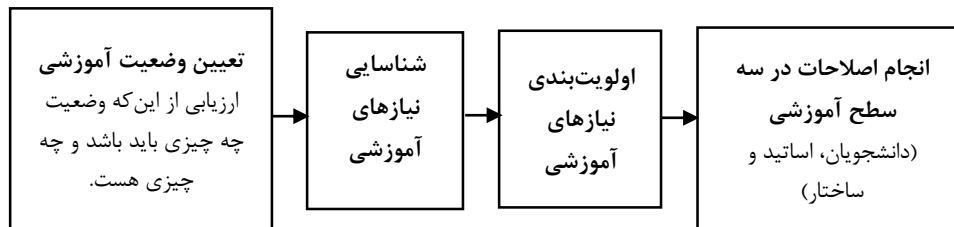
-
1. Politis
 2. aatila
 3. Yusuf

پرداخت و این موضوع را مورد بررسی قرار داده است که آیا برنامه‌های حمایتی کارآفرینی آمریکا اثربخش بوده است یا خیر. این تحقیق با استفاده از مطالعات طولی به این سؤالات پاسخ می‌دهد. نتایج این مطالعه نشان دارد چنین برنامه‌هایی، ۲۰ درصد نیازهای کارآفرینان را برآورده می‌کند. از جمله نیازهای حمایتی برای کارآفرینان عبارت بود از چگونه راه‌اندازی کسب‌وکار جدید، یادگیری محصول، تولید یا بازار، شبکه‌سازی، اطلاعات عمومی، موضوعات قانونی، سیاسی یا اجرایی و اهداف کلی. در نهایت این تحقیق پیشنهاد می‌کند باید تلاش‌های بیشتری برای کمک به کارآفرینان در شناسایی نیازهای پنهان آنها صورت گیرد در نتیجه سیاستمداران و مدیران اجرایی چنین برنامه‌هایی باید بر اطمینان از نیازهای درست کارآفرینان تمرکز کنند. نیپیتی، ساکولناکورن، کروکساکول^۱ (۲۰۱۴)، نیازسنجی توسعه دوره کارآفرینی در برنامه کارشناسی ارشد را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند مهارت‌های کارآفرینی که بیشتر مورد نیاز است عبارتند از مهارت‌های ارتباطی و همکاری و نیز مهارت‌های کار تیمی. دانشجویان کارشناسی مهم‌ترین نیازهای خود را افزایش دانش، مهارت و تجربه دانشی و تسهیم دانش در کلاس و روش‌های تفکر خلاق بیان کردند. علاوه بر این، از دید دانشجویان کارشناسی ارشد، یادگیری مبتنی بر حل مسئله و یادگیری فعال برای برنامه‌های کارشناسی ارشد مهم تلقی شده بود. از دیدگاه لاکس^۲ (۲۰۱۵) شایستگی‌های کلیدی آموزش کارآفرینانه به مهارت‌های شناختی و غیر شناختی مرتبط هستند. عناصر اصلی این شایستگی‌ها عبارت بود از دانش، مهارت و نگرش که در پیوستاری از مهارت‌های شناختی تا غیر شناختی قرار دارند. شیه و هانگ^۳ (۲۰۱۷) آموزش کارآفرینی در دانشگاه تایوان را با استفاده از رویکرد کیفی مورد مطالعه قرار دادند و نتایج آنها نشان داد مشکل در تعیین اهداف متناسب با دروس کارآفرینی است. اهدافی از قبیل یادگیری بین‌رشته‌ای، فهمیدن فرایندهای کارآفرینی و پرورش ذهنیت کارآفرینانه باید در دروس کارآفرینی مورد تأکید قرار گیرد. یادگیری و تعامل بین-رشته‌ای به عنوان فاکتور مهم در کارآفرینی فناورانه مطرح شد.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد تاکنون نیازسنجی آموزشی با هدف توسعه کارآفرینی مربوط به برنامه درسی دانشکده‌های علوم ورزشی انجام نشده است و علاوه بر این، تحقیقات موجود به بررسی وضعیت آموزش کارآفرینی در ورزش از نگاه فرآیندی نپرداخته و اصولاً از دید کاربردی در تدوین برنامه‌های درسی به رویکرد نیازسنجی توجهی نشده است و همچنین بر اساس الگوی جامع به صورت همه جانبه به تعیین وضعیت موجود، تعیین نیازهای آموزشی و اولویت

-
1. Naipinit et al
 2. Lackeus
 3. Shih & Huang

این نیازها، تعیین ارتباط بین این نیازها با وضعیت آموزشی فعلی، انجام اصلاحات در سه سطح آموزشی (دانشجویان، اساتید و ساختارها) پرداخته نشده است. در حقیقت، اکثر پژوهش‌ها تنها به تعیین نیازها و درنهایت اولویت‌بندی این نیازها اکتفا کرده‌اند. از طرف دیگر این که کمترین میزان کارآفرینی ورزشی و راه‌اندازی کسب و کارهای ورزشی مربوط به فارغ‌التحصیلان علوم ورزشی است (مندعلی‌زاده، ۱۳۹۳)، این نگرانی را ایجاد می‌کند که آیا برنامه آموزشی به درستی توانسته است نگرش، دانش و مهارت کارآفرینانه را در بین دانشجویان ایجاد کند یا خیر. در واقع، مسئله مورد نظر، بیکاری فارغ‌التحصیلان علوم ورزشی به عنوان یک نگرانی است. علاوه بر این تدوین صرف ساختار برنامه‌های درسی و بازنگری‌های پیاپی آن بدون توجه به دیگر ابعاد موثر بر توسعه کارآفرینی در دانشکده‌ها مانند ساختارها و استادان، ضرورت دیگری از بحث نیازسنجی و آشناسازی آن برای مدیران و برنامه‌ریزان آموزش عالی است که بتوانند به کمک آن اثربخشی آموزش‌ها را با تمامی ابعاد آن برای توسعه کارآفرینی در نظر بگیرند. لذا هدف این تحقیق بررسی وضعیت آموزش کارآفرینی در دانشکده و یا گروه‌های علوم ورزشی استان مرکزی، تعیین نیازهای آموزشی و اصلاحات در سه سطح (دانشجویان، اساتید و ساختار) برای رسیدن به توسعه آموزشی کارآفرینی است. فرایند این تحقیق بر اساس الگوی ویتکین و آلتسچود (۲۰۱۰) در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱- فرایند نیازسنجی (ویتکین و آلتسچود، ۲۰۱۰).

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در بخش کمی، توصیفی پیمایشی بود. برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. در ساخت این پرسش‌نامه از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شد. در این نوع مطالعه، حوزه کار پژوهشگر منابع کتابخانه، اسناد و مدارک (منابع چاپ شده) و نیز وبگاه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی است (دلور، ۱۳۸۹).

جامعه آماری تحقیق در بخش کمی شامل اساتید مدیریت ورزشی و دانشجویان دو سال آخر کارشناسی دانشگاه‌های استان اراک بودند. در این میان ۱۸۰ پرسش‌نامه توزیع شد که از این میان،

۱۴۸ پرسش‌نامه دریافت شد و مورد تحلیل قرار گرفت. پرسش‌نامه شامل سه بخش بود. بخش اول مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی (۱۲ سؤال) و بخش دوم مربوط به تعیین وضعیت آموزش کارآفرینانه در بین دانشجویان (۱۵ سؤال)، بخش سوم مربوط به اهداف برنامه درسی (۱۵ سؤال) بود و بخش نهایی مربوط به نیازهای آموزشی کارآفرینانه (۱۹ سؤال) بود. در طراحی سؤالات پرسش‌نامه وضعیت آموزشی کارآفرینانه، از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شد. شاخص‌های پذیرفته‌شده‌ای برای آموزش کارآفرینی وجود ندارد. اما شاخص‌هایی از قبیل توسعه نگرش کارآفرینانه، مهارت کارآفرینانه و توسعه دانش کارآفرینانه از عمده‌ترین شاخص‌های ذکر شده است (چادریچزیستو و هنری، ۲۰۱۴). بر این اساس سؤالات پرسش‌نامه طراحی شد. پرسش‌نامه نیازهای آموزشی نیز پس از مطالعه اسناد، مدارک و تحقیقات انجام شده، طراحی شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها به تأیید ده نفر از متخصصان رسید و پایایی پرسش‌نامه توسط ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. به منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ها، ۳۰ پرسش‌نامه به صورت مقدماتی آبر روی جامعه آماری اجرا شد. پایایی کلی سؤالات مربوط به وضعیت آموزش کارآفرینانه محور، ۰/۹۰۲، پایای پرسش‌نامه اهداف، ۰/۹۰ و پایایی کلی سؤالات مربوط به نیازها، ۰/۸۴۰ بود. پایایی هر بخش هم به صورت جداگانه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ نیز مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۱- جامعه و نمونه آماری

نمونه آماری	جامعه آماری		
۴۹	۷۷	دانشگاه اراک	دانشجویان
۱۳	۲۰	دانشگاه فرهنگیان	
۲۶	۴۸	دانشگاه پیام نور اراک	
۲۴	۵۰	دانشگاه آزاد اراک	
۱۱	۳۰	دانشگاه آزاد خمین	
۱۵	۴۴	دانشگاه آزاد ساوه	
۱۰	۱۵	دانشگاه‌های استان مرکزی	استادان مدیریت ورزشی
۱۴۸	۲۸۴	مجموع	

از آمار توصیفی (جدول، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف، آزمون t تک متغیره و آزمون همبستگی پیرسون) استفاده شد. تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ استفاده شد.

1Chatzichristou & Henry

2Pilot Study

روش تحقیق در بخش کیفی، استفاده از استراتژی فن دلفی بود. در میان مهارت‌های تصمیم‌گیری و بررسی دقت همگرایی تصمیمات، دلفی یکی از روش‌هایی است که معمولاً به کار گرفته می‌شود. ویژگی مهم دلفی ناشناختگی آن، فرایند تکرار شدنی، فرایندهای بازخوردی و همگرایی اعضای گروه از طریق مشارکت یکسان در نتایج است. رویکرد دلفی عبارت است از بررسی و جمع‌آوری نظرات کارشناسان در زمینه‌های خاص از طریق پرسش‌نامه. همگرایی یکی از مفاهیم اساسی دلفی است. همگرایی درجه‌ای از توافق در تصمیم مورد نظر است (رو و وایت، ۱۹۹۶).

در مرحله کیفی از نمونه‌گیری موارد حاد استفاده شد. نمونه‌گیری موارد حاد آنهایی در نظر گرفته می‌شوند که روابط مورد مطالعه در آنها از وضوح خاصی برخوردار است مانند نظرات متخصصان یا آنهایی که برای عملکرد برنامه مورد ارزیابی اهمیت ویژه‌ای دارند (فلیک، ۱۳۸۷) که در این تحقیق از استادان مدیریت ورزشی که آشنا به مباحث آموزش کارآفرینی ورزشی (با توجه به زمینه تحقیقاتی آنها) و یا تجربه کاری در زمینه کارآفرینی داشتند در دلفی دعوت به عمل آمد. اعضای پنل دلفی در دور اول شامل ۱۳ نفر و در دور دوم تعداد مشارکت‌کنندگان، ۸ نفر بودند. در دور دوم دلفی جمع‌بندی نظرات گروه حاصل از دور اول، دسته‌بندی و به شکل فرمی نیمه ساختاردار تنظیم گردید و در انتهای آن یک سؤال باز پاسخ اضافه شد با این عنوان که چنانچه موارد دیگری به نظرتان می‌رسد اضافه فرمایید که اکثر عناوین بیشتر از ۹۰٪ ضریب توافق را به خود اختصاص دادند.

روایی و پایایی در تحقیقات کیفی اصطلاحات پیچیده‌ای است که از پژوهش کمی (یک انگاره واقع-گرا یا اثبات‌گرا) ناشی شده است و همگان با کاربرد مقادیر آن در روش‌شناسی کیفی موافق نیستند. چرا که پژوهش یک فعالیت کاملاً عینی نیست، بلکه یک فعالیت اجتماعی است که قویاً تحت تأثیر ارزش‌ها و انگیزه خود پژوهشگران قرار دارد. علاوه بر این در زمینه اجتماعی وسیع‌تری انجام می‌گیرد. مطالعه کیفی پیش از آن که روایی درونی داشته باشد باید اعتمادپذیر باشد. یک مطالعه وقتی اعتمادپذیر است که افراد معقول بودن و درستی یافته‌ها را در زمینه اجتماعی خود تشخیص دهند. یکی از روش‌های اعتمادپذیری به کار بردن راهبردهای گوناگون مانند اجماع روش‌شناسی، بررسی به وسیله اعضاء و یا کسب اطلاع از همگنان است (هومن، ۱۳۹۱). در این تحقیق تلاش شد افراد درگیر در رویکرد دلفی، متخصصان حوزه ورزش و کارآفرینی ورزشی باشند و به صورت علمی و یا عملی با آموزش و مبحث کارآفرینی در ارتباط بودند.

اصطلاح انتقال‌پذیری جانشینی برای اصطلاح روایی بیرونی و نزدیک به تعمیم‌پذیری است که بر گسترش یافته‌ها و نتایج مطالعه به سایر محیط‌ها، موقعیت‌ها، جامعه‌ها و شرایط دیگر اشاره دارد.

بنابراین برای انتقال‌پذیری محقق باید مطمئن شود که موضوع مورد تحقیق می‌تواند با زمینه گسترده‌تر و یک پیشینه علمی مربوط باشد. انتقال‌پذیری یکی دیگر از مفاهیم در روش تحقیق کیفی است که بر اساس آن، روش‌ها و مسیرهای مختلف نسبت به هم مقایسه می‌شوند. به این منظور که ببینیم آیا آنها بر روی یافته‌ها و نتایج واحد از لحاظ مقاوم بودن نتایج نسبت به زمانی که تنها یک روش واحد به کار برده شود، همگرایی بیشتری دارد (هومن، ۱۳۹۱). در این تحقیق به منظور اطمینان از انتقال‌پذیری، کاربرد روش‌های مختلف از جمله روش دلفی و پیشینه تحقیقات گذشته نشان از همگرایی بیشتر و همخوانی پاسخ‌ها داشت.

وابستگی و اتکاپذیری جانشینی برای پایایی است. مقصود آن است که خوانندگان گزارش پژوهشی می‌توانند مناسب و کفایت تحلیل را از طریق پیگیری فرایندهای تصمیم‌گیری ارزیابی کنند. در واقع اتکاپذیری تغییر تفکر درباره طرح سنتی‌تر و آزمایشی شدیداً کنترل‌شده‌تر است. طرح‌های آزمایشی بر کنترل یعنی تثبیت چیزها تأکید دارد، اما در دنیای واقعی که یک محیط طبیعی برای پژوهش کیفی است، انتظار تغییر وجود دارد و بنابراین تکرار پژوهش مسئله‌ساز خواهد بود (هومن، ۱۳۹۱). در این تحقیق به منظور حصول از اتکاپذیری، از رویکردهای منظم و سیستماتیک استفاده شد. به‌عنوان مثال رویکرد دلفی کلاسیک، شامل تکرار، بازخورد کنترل‌شده، گمنامی، آنالیز نتایج، اجماع و زمان مورد نیاز است.

تأیید‌پذیری جانشین اصطلاح عینیت است. اما در پژوهش کیفی بسیار مناسب‌تر از ملاک‌های موسوم و متداول طبیعی بودن، بی‌طرفی و عینیت است. پژوهش با بررسی این مطلب که یافته‌ها و نتایج آن به هدف مطالعه دست می‌یابد و این نتایج مفروضه‌ها و ادراکات پیشین پژوهشگر نیست داوری می‌گردد (هومن، ۱۳۹۱). در این تحقیق به منظور تأیید‌پذیری و عدم تورش یافته‌های پژوهشگران، نتیجه به‌دست‌آمده طی یک ماه بعد از جمع‌آوری داده‌ها مجدداً مورد بازبینی قرار گرفت. با بررسی مجدد عدم وجود تورش مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

نتایج بخش توصیفی برای نیازسنجی آموزش کارآفرینانه در دانشکده علوم ورزشی نشان داد ۶۸/۷٪ از پاسخگویان را زنان و ۳۱/۳٪ را مردان تشکیل می‌داد. اکثریت پاسخگویان ۳۰/۸٪ را دانشجویان دانشگاه اراک و به ترتیب دانشجویان دانشگاه آزاد اراک (۱۷/۹٪)، دانشجویان دانشگاه پیام نور (۱۸/۷٪)، دانشگاه آزاد ساوه (۱۰/۴٪)، دانشگاه فرهنگیان (۹٪) و دانشجویان دانشگاه خمین (۳/۷٪) بودند. میزان آگاهی از فرصت‌های شغلی در بین دانشجویان حدود ۲۷/۶٪ گزارش شد که ۶۴/۹٪ حدودی از فرصت‌های شغلی آگاهی داشتند و ۶/۷٪ اصلاً آگاهی ندارند.

میزان خوش‌بینی نسبت به ایجاد کارآفرینی و کسب و کار در رشته علوم ورزشی ۲۹/۹٪ گزارش شد. ۵۳/۷٪ تا حدودی خوش‌بین و ۱۵/۷ درصد اصلاً نسبت به ایجاد کسب و کارهای ورزشی خوش‌بین نبودند. میزان سابقه کاری مرتبط با رشته در بین پاسخگویان، ۳۶/۳٪ بود. ۲۸ درصد تا حدودی سابقه کاری دارند و ۳۹/۵٪ اصلاً سابقه کاری در رشته علوم ورزشی ندارند. ۲۳/۱٪ دروس مقطع کارشناسی را مؤثر بر ایجاد انگیزه، ۴۵/۵٪ تا حدودی و ۲۱/۶٪ نیز دروس را فاقد انگیزه اعلام کردند. اکثریت پاسخگویان (۶۸/۱۷٪) اعلام کردند که گزینه شغلی بعد از فارغ‌التحصیلی، استخدام در ادارات و سازمان‌های دولتی در اولویت آن‌ها خواهد بود و تنها ۲/۱٪ کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای ورزشی را در اولویت خود قرار دادند. ۶٪ بخش خصوصی و ۳٪ ایجاد کسب‌وکارهای غیرورزشی را اولویت خود معرفی کردند. در بخش آمار استنباطی برای تعیین نرمال بودن داده‌ها، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، قضیه حد مرکزی، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی استفاده شد. در این راستا، با توجه به سطح معناداری آزمون، قدر مطلق ضریب چولگی کمتر از ۳+ و همچنین مقدار خطای استاندارد ضریب چولگی و ضریب کشیدگی بزرگتر از ۲- و کوچکتر از ۲+، نرمال بودن تمام گویه‌ها مورد تأیید قرار گرفت. در نتیجه از آزمون تی تک متغیره برای بررسی وضعیت آموزش کارآفرینانه استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون، در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره تی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین حد بالا حد پایین
۱	تا چه اندازه برنامه درسی دوره کارشناسی توانسته است دانش لازم را جهت ایجاد کارآفرینی یا در جهت راه‌اندازی کسب‌وکار برای شما فراهم کند؟	۲/۶۷۵	۱/۰۱	-۳/۹۶۸	۰/۰۰۱	-۰/۳۲۴	-۰/۴۸۶ -۰/۱۶۳

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی
از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره Z	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۲	تا چه اندازه در دوره کارشناسی مهارت‌های کاربردی مانند مهارت‌های بازاریابی (فروش، مذاکره، برندسازی) را کسب کرده‌اید؟	۲/۱۱۶	۰/۹۷۶	-۱۱/۲۲۳	۰/۰۰۱	-۰/۸۸۳	-۱/۰۳	-۰/۷۲۷
۳	تا چه اندازه در دوره کارشناسی مهارت‌های کاربردی مانند مهارت‌های ارتباطی (ارتباط، مذاکره و ...) را کسب کرده‌اید؟							
۴	تا چه اندازه در دوره کارشناسی مهارت‌های مدیریتی (انجام محاسبات مالی، ترازنامه، مدیریت راهبردی، حسابرسی و ...) را کسب کرده‌اید؟	۲/۲۰۱	۱/۱۴	-۸/۶۵۳	۰/۰۰۱	-۰/۷۹۸	-۰/۹۸۱	-۰/۶۱۶

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره تی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۵	تا چه اندازه می‌توانید از دانش کسب‌شده حاصل از دروس ارائه‌شده در دوره کارشناسی برای راه‌اندازی کسب‌وکاری بهره ببرید؟	۲/۷۲۵	۱/۰۲	۳/۳۰۵	۰/۰۰۱	-۰/۲۷۴	-۰/۴۳۸	-۰/۱۱۰
۶	تا چه اندازه در دوره کارشناسی برنامه‌هایی برای تشویق دانشجویان جهت تأسیس شرکت‌های نوپا در دانشکده یا گروه علوم ورزشی ارائه‌شده است؟	۲/۰۵۹	۱/۰۲	۱۱/۲۴۳	۰/۰۰۱	-۰/۹۴۰	-۱/۱۰	-۰/۷۷۵
۷	تا چه اندازه در دوره کارشناسی در تحلیل فرصت‌های اقتصادی و کارآفرینی توانمند شده‌اید؟	۲/۱۸۰	۰/۹۹	۱۰/۱۴۱	۰/۰۰۱	-۰/۸۲۰	-۰/۹۷۹	-۰/۶۶۰

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی
از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سوالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره تی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۸	تا چه اندازه در دوره کارشناسی ذهنیت شما به سمت کارآفرینی سوق داده شده است؟	۲/۵۳۹	۱/۱۷	-۴/۸۴۰	۰/۰۰۱	-۰/۴۶۰	-۰/۶۴۸	-۰/۲۷۲
۹	تا چه اندازه در دوره کارشناسی اساتید در انتقال مطالب درسی به صورت کاربردی به دانشجویان موفق بوده‌اند؟	۲/۹۰۷	۰/۹۸۵	-۱/۱۵۲	۰/۰۰۱	-۰/۰۹۲	-۰/۲۵۰	-۰/۰۶۵
۱۰	تا چه اندازه در دوره کارشناسی شیوه‌های آموزش اساتید، متنوع بوده و خلاقیت، نوآوری و ابتکار لازم را جهت یادگیری طولانی مدت شما داشته است؟	۲/۷۱۵	۰/۹۷۵	-۳/۵۸۷	۰/۰۰۱	-۰/۲۸۴	-۰/۴۴۱	-۰/۱۲۷

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سؤالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره تی	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۱۱	تا چه اندازه خود اساتید از دانش لازم برای کارآفرینی آگاهی دارند؟	۲/۸۲۱	۱/۱۳	-۱/۹۴۱	۰/۰۰۱	-۰/۱۷۸	-۰/۳۶۰	۰/۰۰۳۲
۱۲	حمایت دانشگاه از فعالیتهای کارآفرینی (مشاوره، برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط و ...) در دوره کارشناسی به چه میزانی بوده است؟	۲/۱۹۶	۱/۰۱	-۹/۸۱۲	۰/۰۰۱	-۰/۸۰۳	-۰/۹۶۵	-۰/۶۴۲
۱۳	امکانات و تجهیزات دانشکده یا گروه علوم ورزشی تا چه اندازه به دانش و مهارت مورد نیاز به شما کمک کرده است؟	۲/۵۵۳	۱/۰۳	-۵/۲۹۴	۰/۰۰۱	-۰/۴۴۶	-۰/۶۱۳	-۰/۲۸۰

ادامه جدول ۲- نتایج شناسایی وضعیت آموزش کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی استان مرکزی از دید دانشجویان علوم ورزشی

ردیف	سؤالات	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره Z	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف میانگین	
							حد پایین	حد پایین
۱۴	تا چه اندازه در دوره کارشناسی از شیوه‌های متنوع آموزش مانند ارتباط با کارآفرینان و توسعه‌دهندگان کسب و کار، سخنرانی افراد کارآفرین، بازدید از مراکز نمونه ورزشی و یا کارآفرینی و ... در سطح کلاس استفاده شده است؟	۲/۰۴۵	۱/۰۱	-۱۱/۶۲۶	۰/۰۰۱	-۰/۹۵۴	-۱/۱۱	-۰/۷۹۲
۱۵	تا چه میزان فرهنگ کارآفرینانه (جایی که ایده-های جدید مورد انتظار است، ریسک‌پذیری ترغیب می‌شود، یادگیری تقویت می‌شود و تغییر مستمر یک فرصت محسوب می‌شود) در دوره کارشناسی وجود دارد؟	۲/۲۸۰	۰/۹۷۷	-۹/۰۲۵	۰/۰۰۱	-۰/۷۲۰	-۰/۸۷۷	-۰/۵۶۲

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است و میانگین نمرات کمتر از ۳ (حد وسط طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای) گزارش شده است و نیز حد بالا و پایین اختلاف میانگین مورد انتظار مقدار منفی به دست آمده است، در نتیجه وضعیت آموزش کارآفرینانه از دید دانشجویان در دانشکده‌های علوم ورزشی مطلوب نبود.

بر اساس آزمون فریدمن ($\chi^2=189/621$ ، $p=0/001$)، اولویت نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور محاسبه شد که این اولویت‌ها یکسان نبوده و بین گزینه‌ها در سطح ۰/۰۰۱ اختلاف معناداری وجود دارد. اولویت گزینه‌های بر اساس میانگین به دست آمده در جدول ۳ داده شده است.

جدول ۳- اولویت‌بندی نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور از دید دانشجویان علوم ورزشی و اساتید

مدیریت ورزشی

میانگین	رتبه	گویه
۴/۱۶۸	۱	تجهیزات ورزشی (به‌عنوان یک ساختار)
۴/۱۶۷	۲	اماکن ورزشی (به‌عنوان یک ساختار)
۴/۰۶۷	۳	کارورزی دروس عملی
۴/۰۲۰	۴	مهارت کار گروهی و تیمی
۴/۰۰۶	۵	مهارت‌های ارتباطی
۳/۷۷۱	۶	مهارت‌های رهبری
۳/۷۵۶	۷	مهارت‌های مدیریتی
۳/۷۴۴	۸	مهارت‌های کارآفرینانه (ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی و...)
۳/۷۰۷	۹	آموزش کار با کودکان
۳/۶۹۵	۱۰	آزمایشگاه علوم ورزشی
۳/۶۱۰	۱۱	طراحی و تعریف پروژه عملی برای هر درس (چه دروس نظری و چه دروس عملی)
۳/۵۵۱	۱۲	آشنایی با قوانین و مقررات حقوقی و تجاری
۳/۵۲۷	۱۳	مهارت‌های حل مسئله
۳/۴۸۲	۱۴	مهارت‌های بازاریابی
۳/۴۶۸	۱۵	مهارت‌های فناوری اطلاعات
۳/۴۳۲	۱۶	کارورزی دروس نظری
۳/۴۲۱	۱۷	آشنایی با دانش الکترونیک
۳/۳۳۶	۱۸	مهارت‌های مربوط به محاسبات مالی و حسابداری (ترازنامه، نقطه سربه‌سر، سود، هزینه و ...)
۳/۱۷۱	۱۹	مهارت در طراحی وبسایت

از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه با اهداف فعلی برنامه درسی استفاده شد. نتایج در جدول ۳ ارائه شده است. عدم ارتباط بین نیازهای آموزشی با

اهداف برنامه درسی نشان‌دهنده وجود تفاوت بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه و اهداف برنامه درسی جاری است.

جدول ۴- ارتباط بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه و اهداف برنامه درسی

نتیجه	همبستگی پیرسون	
	مقدار معنی‌داری	مقدار همبستگی
عدم ارتباط	۰/۱۵۲	۰/۱۱۷

برنامه درسی * نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بین برنامه درسی فعلی با نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور رابطه‌ای وجود ندارد و بین برنامه درسی فعلی و نیازهای آموزشی کارآفرینانه محور تفاوت وجود دارد. اصلاحات مورد نیاز در سطوح آموزشی بر اساس تغییراتی در اضافه شدن دروس مبتنی بر رویکرد دلفی در جدول ۵ آورده شده است و جدول ۶ نیز اصلاحات آموزشی در بخش اساتید را نشان می‌دهد. هم‌چنین جدول ۷ اصلاحات آموزشی در سطح ساختاری را نشان می‌دهد که درصد میزان توافق بین متخصصان بسیار بالا بود که نشان از میزان توافق بالای بین خبرگان بود.

جدول ۵- میانگین و انحراف استاندارد دروس پیشنهادی در سطح دانشجویان

دور دوم		مؤلفه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۸۳۶	۴/۲۰	آشنایی با مسائل حقوقی کسب‌وکارهای ورزشی
۱/۰۰	۴/۰۰	آموزش بازی برای کودکان
۰/۸۳۶	۴/۲۰	روش‌های آموزش در تربیت‌بدنی و ورزش
۰/۴۴۷	۴/۸۰	مدیریت اماکن و رویدادهای ورزشی
۱/۴۱	۴/۰۰	مدیریت مالی و حسابداری (آشنایی با ترازنامه، مسائل مالی و ...)
۰/۸۹۴	۴/۴۰	میانی کارآفرینی و اشتغال‌زایی ورزشی
۰/۸۳۶	۴/۲۰	ورزش‌های متناسب با سبک زندگی (کوهنوردی، بدن‌سازی و ...)
۰/۷۰۷	۴/۲۰	ورزش‌ها و بازی‌های بومی سنتی
۰/۸۳۶	۴/۰۰	ورزش‌های جسمی ذهنی (پيلاتس، تای چی، یوگا و ...)
۰/۵۷۷	۴/۲۰	کارورزی ورزش‌های پایه
۰/۵۴۷	۴/۵۰	کارورزی ورزش‌های انفرادی

ادامهٔ جدول ۵- میانگین و انحراف استاندارد دروس پیشنهادی در سطح دانشجویان

دور دوم		مؤلفه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۵۴۷	۴/۴۰	کارورزی ورزش‌های گروهی
۰/۸۱۶	۴/۴۰	روانشناسی ورزشی
۰/۵۴۷	۴/۰۰	اصول بازاریابی در ورزش
۰/۸۱۶	۴/۶۰	اصول و روش مربیگری
۰/۵۴۷	۳/۶۰	تحلیل تدریس تربیت‌بدنی
۱/۱۴	۴/۰۰	اصول و فنون مشاوره و راهنمایی در ورزش
۱/۰۰	۴/۲۰	آنتروپومتری حرکتی
۰/۸۳۶	۴/۴۰	تکنیک‌های آزمایشگاهی در علوم ورزشی
۰/۸۹۴	۴/۸۰	فناوری اطلاعات در ورزش
۱/۳۰	۴/۶۰	اصول برنامه نویسی کامپیوتری در ورزش
۱/۳۰	۴/۲۰	تدوین و طراحی وبسایت
۰/۸۹۴	۴/۶۰	کار با دستگاه‌های ورزشی
۰/۹۵۷	۳/۷۵۰	آموزش ورزش برای افراد معلول و ناتوان
۱/۰۰	۴/۰۰	مدیریت راهبردی در ورزش
۰/۷۰۷	۴/۰۰	مدیریت ارتباطات در ورزش
۰/۹۵۷	۴/۲۵۰	آنالیز حرکتی
۰	۵/۰۰	مدیریت و برنامه‌ریزی کسب‌وکارهای ورزشی کوچک

جدول ۶- میانگین و انحراف استاندارد اصلاحات آموزشی در سطح اساتید علوم ورزشی

دور دوم		مؤلفه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۵۷۷	۴/۶۶	برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی برای اساتید در راستای ارتقاء دانش و انگیزه کارآفرینانه و انتقال آن به دانشجویان
۰/۵۷۷	۴/۶۶	برگزاری پروژه‌های علمی در کنار دروس تئوری و عملی
۰/۵۷۷	۴/۶۶	تدریس چالشی توأم با مشارکت دادن دانشجویان
۰/۵۷۷	۴/۳۳	بازدید از مراکز کسب‌وکار ورزشی به منزله راهبرد آموزشی
۰/۰۰	۵/۰۰	برگزاری کارگاه عملیاتی برای دانشجویان در تدریس

جدول ۷- میانگین و انحراف استاندارد اصلاحات آموزشی در بخش ساختاری

دور دوم		مؤلفه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۵۷۷	۴/۶۶	برگزاری رویدادهای استارت‌آپ در دانشکده‌ها/ گروه‌ها
۰/۵۷۷	۴/۶۶	ساخت اماکن و تجهیزات ورزشی (سخت‌افزار)
۰/۰۰	۵/۰۰	تجهیز سالن‌ها و وسایل ورزشی (سخت‌افزار)
۰/۰۰	۵/۰۰	تغییر زیرساخت‌های ارتقای اساتید (توجه به آموزش در برابر امتیازات پژوهشی، توجه به خلاقیت و نوآوری در تدریس و ارزش قائل شدن برای آن)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد وضعیت آموزش کارآفرینانه محور در دانشکده‌های علوم ورزشی نامطلوب است که با تحقیق صفری و سمیع‌زاده (۱۳۹۱) که وضعیت آموزش کارآفرینی را در رشته‌های علوم انسانی نامناسب دیدند همخوانی دارد. علاوه بر مؤلفه‌های دانش، نگرش و مهارت که در دوره کارشناسی برای توسعه آموزش کارآفرینی نامطلوب گزارش شد، نحوه آموزش اساتید و شیوه انتقال مفاهیم به دانشجویان نیز با میانگین کمتر از ۳ نامطلوب گزارش شد. حمایت دانشگاه و نیز رویکردهای سخت‌افزاری نسبت به توسعه کارآفرینی نیز نامطلوب بود. از دید دانشجویان دانش اساتید در رابطه با کارآفرینی کمتر از میانگین ۳ بوده است. در حقیقت می‌توان گفت وضعیت آموزش کارآفرینی در حیطه‌های دانش، نگرش، مهارت، شیوه آموزش اساتید، نحوه انتقال محتوا و نیز امکانات سخت‌افزاری و حمایتی کمتر از میانگین و نامطلوب بوده است. در نتیجه آموزش‌ها نتوانسته است انگیزه، نگرش و مهارت کاربردی را به دانشجویان انتقال دهد. به نظر می‌رسد آموزش‌ها پویایی و نیز قابلیت انعطاف‌پذیری لازم را نداشته است و صرفاً وجود واحدهای تئوری به تنهایی نمی‌تواند یادگیری مادام‌العمر را در دانشجویان ایجاد کند. حتی دروس عملی و سرفصل‌های مربوط به آن به تنهایی نمی‌تواند کاربرد لازم را داشته باشد.

اولویت نیازهای آموزشی بر اساس یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه، یکسان نبود و بین رتبه‌بندی یافته‌ها تفاوت معناداری وجود داشت. به طور کلی مهارت‌های مورد نیاز در دسته‌های مهارت‌های مدیریتی، بازاریابی، ارتباطی، فناوری اطلاعات و مهارت‌های کارآفرینانه بودند. در این راستا، گودرزی، جلالی فراهانی، رجبی و حمیدی (۱۳۹۶) نیز از جمله مهارت‌های مورد نیاز برای کارآفرینی در بخش مدیریت ورزشی را مهارت‌های محیطی، مهارت‌های تجاری، مهارت‌های

مدیریتی و مهارت‌های فنی نتیجه گرفت. جونز و بیل^۱ (۲۰۰۹) مهارت‌هایی مانند حل مسئله، مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های ارتباطی و ارائه، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های گروهی را برای دانشجویان علوم ورزشی مهم برشمرده است. شائمی، اعتباریان و خیرمند (۱۳۹۰) نیز بازاریابی، مدیریت مالی و حسابداری، حقوقی و قانونی، مدیریت تولید و عملیات و مدیریت منابع انسانی را از جمله نیازهای مهم برای زنان کارآفرین شهر اصفهان در نظر گرفتند. خالدی، آقایی و اسکندری (۱۳۹۳) نیز دروسی مانند مدیریت کارآفرینی، مدیریت بازار، مدیریت راهبردی، مدیریت مالی و مدیریت منابع انسانی را متناسب با نیازهای آموزشی کارآفرینانه دانستند. علاوه بر این دین، آنوار و عثمان (۲۰۱۶) ارتباط قوی‌ای را بین آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه و به‌دست آوردن مهارت‌های کارآفرینی گزارش کردند.

تجهیزات ورزشی، اماکن در اولویت‌های اول قرار گرفتند. به عبارتی تجهیزات ورزشی و سخت‌افزار برای یادگیری کارآفرینانه بسیار مهم در نظر گرفته شده است. نظریان مادوانی، رضانی و شریفیان (۱۳۹۵) در تحقیقی امکانات و تجهیزات آموزشی را برای رسیدن به اهداف آموزشی مؤثر دانستند و در تحقیق خود بیان کردند تجهیزات و اماکن آموزشی موجود به میزان زیادی متناسب با نیازهای آموزشی برنامه‌درسی نیست.

کارورزی دروس عملی نیز در اولویت بعدی قرار گرفت. تحقیقات زیادی (هیکلک و باراکات^۲، ۲۰۱۰، اسچالیک، نرجس و فاورچیلد^۳، ۲۰۰۶، تاتیلایا، ۲۰۱۰، کنی^۴، ۲۰۱۵، رمسگاد و کاسترگاد^۵، ۲۰۱۷) اثر یادگیری تجربی در عمل را در یادگیری مادام‌العمر مهم دانسته‌اند. در این راستا، هانتی، کاریستو-مرتانه، کالیو-گرلندر و رنترن (۲۰۰۸) نتیجه گرفتند انجام پروژه‌های واقعی ارزشمندترین محیط یادگیری را برای دانشجویان فراهم می‌کنند، چرا که امکان یادگیری برای ایجاد ارتباط با مشتریان و همچنین پرورش مهارت‌های مدیریتی را فراهم کرده بودند. بنابراین آن‌ها نتیجه گرفتند که محیط کسب‌وکار کلیدی برای موفقیت در آموزش کارآفرینی است.

با توجه به عدم ارتباط بین نیازهای آموزشی کارآفرینانه با برنامه مصوب، در سه سطح دانشجویان، اساتید و زیرساختی لازم است اصلاحاتی انجام شود. بر اساس رویکرد دلفی، اصلاحات انجام شده در سطح دانشجویان دروس پیشنهادی مانند آشنایی با مسائل حقوقی و تجاری کسب‌وکارهای ورزشی

-
1. Jones & Bill
 2. Din, Anuar & Usman
 3. Hyclack & Barakat
 4. Schalake, Narjes & Faorchild
 5. Kenny
 6. Ramsgaad & Qstergaad
 7. Hanti, Kairisto-Mertanee, Kallio-Gelander, Rantanen

بود. در حقوق کسب و کار به تأسیس کسب و کارها و موضوعات جدیدی که مطرح می‌شوند پرداخته می‌شود. در این راستا، قوانین مالیاتی، مالکیت معنوی، ورشکستگی و موارد مشابه مطرح می‌شود (کیا، نساج، احمدزاده و نورا، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد آشنایی با مسائل حقوقی در اداره کسب و کارها، آشنایی با حقوق ورزشی، می‌تواند دانشجویان را در محیط کاری آگاه‌تر سازد. آموزش بازی برای کودکان، روش‌های آموزش در تربیت بدنی و ورزش، آموزش ورزش برای افراد معلول و ناتوان، اصول و روش مربیگری، تحلیل تدریس تربیت بدنی از جمله دروس در ارتباط با بحث آموزش بود. وجود این مهم در برنامه درسی می‌تواند زمینه دانشی را برای دانشجویان فراهم آورد. پولیتز (۲۰۰۵) بر اهمیت نقش آموزش و نقش دانش در توسعه کارآفرینی تأکید کرده است.

ورزش‌های متناسب با سبک زندگی، ورزش‌ها و بازی‌های بومی محلی، ورزش‌های نوین نیز از دیگر دروس پیشنهادی است. چنان که رتن و فریرا (۲۰۱۷) ورزش‌های سبک زندگی را از جمله ورزش‌های کارآفرینانه عنوان کردند. کارورزی در دروس تئوری و عملی نیز از جمله دروسی است که مورد نیاز دانشجویان بوده است. در حقیقت، کارورزی دروس عملی نیز می‌تواند نه تنها در یادگیری دانشجویان بلکه در نحوه و چگونگی آموزش دادن نیز به آنها کمک کند. تکنیک‌های آزمایشگاهی، کار با دستگاه‌های ورزشی و نیز آنتروپومتری حرکتی که تلفیقی از رویکرد نظری و عملی است می‌تواند نقش بسزایی در ایجاد ایده، خلاقیت و نوآوری در ورزش برای دانشجویان ایجاد کند. از دیدگاه پولیتز (۲۰۰۵) تجارب حاصل از یادگیری در شناخت و عملکرد کارآفرینانه نقش مهمی دارد.

مدیریت و برنامه‌ریزی کسب و کارهای ورزشی، مدیریت اماکن و رویدادهای ورزشی، مدیریت ارتباطات در ورزش، مدیریت راهبردی در ورزش، مدیریت مالی و حسابداری در ورزش و آشنایی با نوشتن ترازنامه، مسائل و محاسبات مالیاتی و ... از جمله دروسی است که می‌تواند از جنبه‌های نظری و عملیاتی در ارتباط با کارآفرینی و مهارت‌های مرتبط با آن مانند مهارت‌های کارآفرینی، رهبری، مالی و ... کمک مؤثری به توسعه دانش و مهارت کارآفرینی نماید. به‌طور ویژه، اطلاع از ارقام مالی و به‌طور کلی حسابداری که شامل فعالیت‌هایی از قبیل فن ثبت، طبقه‌بندی و تلخیص فعالیت‌های مالی است یکی از فعالیت‌های مهم در کسب و کارها است (کیا، نساج، احمدزاده و نورا، ۱۳۸۶).

اصول و فنون مشاوره، روانشناسی نیز در کارهای مربیگری می‌تواند نقطه قوتی برای افراد در عمل باشد. افراد درگیر در ورزش به دلیل ارتباط تنگاتنگ با جامعه و ماهیت خدماتی و نیز تولیدی، تحلیل رفتارهای مشتریان برای آنها اهمیت دارد (رتن و فراری، ۲۰۱۷). طریقه برخورد با مشتریان، مصرف‌کننده و به‌طور جامعه انسانی نیازمند دانستن رویکردهای کاربردی به روانشناسی به‌ویژه روانشناسی ورزشی است.

به‌طور کلی دروس پیشنهادی، نشان‌دهنده لزوم توجه به کیفیت آموزشی است. چنان‌که واجاری، برزگر، مرادی و عراقیه (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که بازنگری در محتوای دروس برای رسیدن به توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها با اهمیت است.

اصلاحات آموزشی در سطح استادان نیز قابل توجه و مهم است. برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی برای اساتید می‌تواند در ایجاد دانش برای اساتید مؤثر است. چنانکه قناعتیان جبذری (۱۳۹۰) نقش اساتید را در یادگیری محتوای دروس از نظر مشارکت‌کنندگان با اهمیت عنوان کرد. علاوه بر این بدری آذین (۱۳۹۴) نیز نیازهای آموزشی اساتید در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات را مورد بررسی قرار داد و نیازهای آموزشی اساتید در این رابطه را به دو بخش نیازهای مقدماتی و پیشرفته تقسیم‌بندی کرد. بایکس، ریمر و ریوزا (۲۰۱۶) افزایش فهم واقعی از کارآفرینی توسط معلمان و اساتید و ضرورت حمایت قانونی، مالی و مدیریتی از آموزش کارآفرینی را در بهبود آموزش کارآفرینی مهم نتیجه‌گیری کرده است. توانمندسازی استادان، نقش اساسی در ارتقاء و تعالی آموزش در سطح دانشگاه ایفا می‌کند به عبارت دیگر توانمندی اعضای هیئت‌علمی می‌تواند مستقیماً بر عملکرد آموزش عالی تأثیرگذار باشد (صفوی و صادقی، ۱۳۹۶).

برگزاری کارگاه‌هایی که بیشتر جنبه عملیاتی دارد نیز از جمله اصلاحات دیگر در بخش آموزش است. در بخش ساختاری نیز اصلاحاتی مانند برگزاری رویدادهای استارت‌آپ، ساختن اماکن ورزشی و تجهیزات ورزشی به‌عنوان سخت‌افزار می‌تواند در ایجاد ساختار بهتری برای بهبود فرهنگ کارآفرینی در دانشکده‌های علوم ورزشی مورد نظر قرار گیرد. در این راستا، نظریان مادوانی، رضانی و شریفیان (۱۳۹۵) بر نقش زیرساخت‌ها متناسب با نیازهای آموزشی تأکید کردند. علاوه بر این تغییر زیرساخت‌های ارتقای اساتید و توجه به ارتباط جامعه و دانشگاه می‌تواند اصلاحات دیگری باشد که این نمونه، رویکرد ارزیابی را برای اساتید و ارتقای آن‌ها تغییر می‌دهد. اینکه، ارتقای اساتید تعداد مقالات علمی پژوهشی، آی اس آی و ... باشد نمی‌تواند انگیزه لازم را برای ایجاد نگرش کارآفرینی و انتقال آن به دانشجویان فراهم کند.

با توجه به نتایج تحقیق، از آنجایی که وضعیت موجود آموزش کارآفرینانه از باب دانش، نگرش و مهارت نامطلوب است و با توجه به اینکه نیازهای آموزشی مرتبط با کارآفرینی با برنامه فعلی رابطه‌ای ندارد، پیشنهاد می‌شود:

۱- زیرساخت‌های آموزش عالی از جمله مبنای ارتقای اساتید وزن بیشتری به سمت کارآفرینی، آموزش کاربردی، ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان و ... پیدا کند. مسئله‌ای که در بسیاری از کشورهای

توسعه‌یافته به چشم می‌خورد و مبنای ارتقای اساتید، کار، خلاقیت و نوآوری است که آنها برای جامعه خود انجام می‌دهند.

۲- برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی در ارتباط با کارآفرینی، خلاقیت و مفاهیم آن، برای اساتید رشته علوم ورزشی از طرف مدیریت و معاونت آموزشی می‌تواند در ایجاد دانش و انتقال آن به دانشجویان کمک کند.

۳- دعوت از کارآفرینان ورزشی به‌عنوان مدرس در دانشگاه‌ها برای ایجاد انگیزه در دانشجویان از دیگر پیشنهادهاى تحقیق است.

۴- حمایت و ایجاد مراکز مشاوره کارآفرینی در دانشکده‌های علوم ورزشی و حمایت از برگزاری استارت‌آپ ویکند^۱ (کسب‌وکارهای نوپا در اواخر هفته‌ها) می‌تواند در ایجاد فرهنگ کارآفرینانه در دانشکده‌های علوم ورزشی مؤثر باشد. علاوه بر این ایجاد بانک اطلاعاتی برنامه‌های حمایتی توسط دانشگاه‌ها می‌تواند به افرادی که خواستار اطلاعاتی در مورد کسب‌وکارهای ورزشی، اختراعاتی ورزشی و نیز اطلاع از مراکز ارتباط‌دهنده صنعت و ورزش هستند خدمات ارائه نماید.

منابع

1. Ahmadpour Daryani, M., Sheikhan, N., Rezazadeh, H. (2004). *Entrepreneurship Experiences in Selected Countries*. Tehran: Sepehr publication. (Persian).
2. Altschuld, J., Kumar, D.D. (2010). *Needs assessment, an overview*. USA: SAGE publication.
3. Altschuld, J., Witkin, B. (2000). *From Need assessment to action: Transferring needs into solution strategies*, Thousand oaks, C,A: Sage.
4. Badri Azin, Y. (2014). Educational Needs Assessment of Information and Communication Technology (ICT) at Faculty Members of Physical Education and Sports Sciences Universities, *Sports Management*, 13 (1): 5-25. (Persian).
5. Bikse, V., Riemere, I., Rivza, B. (2014). Science direct the improvement of entrepreneurship education management in Latvia. *Procedia- social and behavioral sciences*, 140(1), 69-76.
6. Chatzichristou, S., Henry, N. (2014). Expert Group on Indicators on entrepreneurial learning and competence, A report, Brussels: Belgium.
7. Cilietti, D., Chadwick, S. (2013). *Sports Entrepreneurship, Theory and Practice*, Translated by Honari, H, Goodarzi, M. Tehran: Hatami Publications. (Persian).
8. Dabagh, R. (2003). Employment policies of different countries and Iran. institute for research and planning, higher education. *Quarterly journal of research and planning*, 11(3): 147-168. (Persian).
9. Delavar, A. (2011). *Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences*. 7th edition. Tehran: Roshd publication.

10. Din, B.H, Anuar, A.R., Usman, M. (2016). The effectiveness of the entrepreneurship Education program in upgrading entrepreneurial skills among public university students. *Procedia-social and behavioral sciences*, 224(224), 117-123.
11. Fathi Vajargah, K. (2001). *Educational Needs Assessment, Patterns and Techniques*. 2th Ed. Tehran: Ayizh publication (Persian).
12. Flick, U. (2008). An introduction to qualitative research, translated by Hadi Jalili, Tehran: Nay Publication.
13. Ganaatiyan Jabzari, M. (2011). Requirements of Educational Management in Master's Degree Rehabilitation Management based on the Experiences and Views of Students and Students in 2011, Master's thesis for Rehabilitation Management, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. Tehran: faculty of rehabilitation (Persian).
14. Goodarzi, M., Jalali Farahani, M., Rajabi, H., Hamidi, M. (2017). Designing and developing a model for entrepreneurial skills among Iranian sport management students. *A new approach to sports management*, 5 (18): 21-9. (Persian).
15. Hanti, S., Kairisto-Mertanen, L., Kallio-Gerlander, J. and Rantanen, H. (2008), "Identifying entrepreneurial competences in three different cross-disciplinary environments", in Ingle, S. and Neuvonen-Rauhala, M. (Eds), *Promoting Entrepreneurship by Universities. The Proceedings of the 2nd International FINPIN 2008 Conference*, Helsinki: Finland
16. Hooman, H. (2011). *Practical Guide to Qualitative Research*. 4th Edition. Tehran: Organization for the Study and Compilation of Human Sciences Books. (Persian).
17. Hyclack, T., Barakat, S. (2010). Entrepreneurship education in an entrepreneurial community. *Industry and higher education*, 24(6): 475-486.
18. Jack, S., Anderon, A. (1999). Entrepreneurship education within the enterprise culture: producing reflective practitioner. *International journal of entrepreneurial behavior & research*, 5(3), 110-125.
19. Jones, W. B, Bill, K. (2009). Enhancing Enterprise, Entrepreneurship and Employability through PDP. Retrived from: <https://www.heacademy.ac.uk/knowledge-hub/enhancing-enterprise-entrepreneurship-and-employability-through-pdp>
20. Kenny, B. (2015). Meeting the entrepreneurial learning needs of professional athletes in career transition. *International journal of entrepreneurial behavior and research*, 21(2),175-196.
21. Khaledi, Kh., Agahi, H., Eskandari, F. (2013). Educational Needs of Entrepreneurship Management in Agricultural College Students of West Iran. *Quarterly Journal of Agricultural Management*, 6(30), 14-3. (Persian).
22. Kia, M., Nasak, S., Ahmadzadeh, N., Noora, A (2007). *Step-by-step Entrepreneurship*. Tehran: publication of Employment Co-operation Organization of Graduates of Universities. (Persian).
23. Kuratko, D. F. Hodgetts, R. M. (2001): *Entrepreneurship: A contemporary Approach*. 5th Edition. Fort Worth, TX: Harcourt College publication.
24. Lackeus, M. (2015). *Entrepreneurship in education, what, why, when, how. A report of European commission*, OECD, P: 1-45.

25. Mondalizadeh, Z. (2013). Designing and developing of indicators and model of sustainable entrepreneurship in sport of Iran, a dissertation, faculty of humanities science, departemen of sport management, Tarbiat Modares University: Tehran . (Persian).
26. Naipinit, A., Sakolnakorn, T., Kroeksakul, P. (2014). Sufficiency economy for social and environmental sustainability: a case study of four villages in rural Thailand. *Asian social science*, 10(2): 102-114.
27. Nazarian Madvani, A., Ramezani, A., Sharafiani, H.R. (2015). Graduate Curriculum Evaluation of Physical Education and Sports Science. *Sports Management Studies*, 31: 70-49. (Persian).
28. Politis, D. (2005). The process of entrepreneurial learning: a conceptual framework. *Entrepreneurship theory and practice*, 29(4): 399-424.
29. Quaray, SH., Hosseini, M A. (2010). Needed and suggested training needs for entrepreneurship and job placement among students and students of Southern Medical Sciences Universities. *Quarterly Journal of Jahrom University of Medical Sciences*, 9(1): 60-54. (Persian).
30. Ramsgaad, M.B., Qstergaad, S.J. (2017). *Education and training* retrieved from <https://doi.org/10.1108/et-11-2016-0164>. Access 21 Aug. 2017.
31. Ratten, V., Ferreira, J. (2017). *Entrepreneurship and Sport Innovation*. Translated by Mondalizadeh, Z, Khosrowizadeh, E. Arak: Arak University publication. (Persian).
32. Refaat, A.A. (2009). The Necessity of Engineering Entrepreneurship Education for Developing Economies, *International Journal of Education and Information Technologies* .2(3), 85-96.
33. Rowe, G., Wright, G. (1999). "The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis." *International journal of forecasting* 15(4): 353-375.
34. Roxas, B.G., Cayoca-Panizales., R., de Jesus, R. (2008). Entrepreneurial Knowledge and its effects on entrepreneurial intention: development of a conceptual framework. *Asia-pacific science*, 8(2): 61-77.
35. Safari, A., Samiyazadeh, M. (2011). Needs Assessment of Knowledge Training and Entrepreneurship Skills in Humanities. *Education Technology*, 7(7): 79-65. (Persian).
36. Safavi, A., Sadeghi, A. (2017). Reconstruct the faculty empowerment program through the intervention strategy of supervised experience and experience with the aim of enhancing their skills in curriculum design. *Journal of Educational Strategies in Medical Sciences*, 10 (5): 359-363. (Persian).
37. Schalake, M.R., Narjes, C., Faorchild, P. (2006). New Youth Entrepreneurship Curriculum on the Horizon. A report, United Kingdom: University of Nebraska Lincoln.
38. Shaemi, A., Etebarian, A., Khairmand, M. (2010). Educational needs of female entrepreneurs in Isfahan. *Women in development and politics*, 9(3): 180-151. (Persian).
39. Shih, T., Huang, YY. (2017). A case study on technology entrepreneurship education at a Taiwanese research university. *Asia pacific management review*, 22(4): 202-211.

40. Taatila, V. P. (2010). Learning entrepreneurship in higher education. *Education and training*, 52(1): 48-61.
41. Wajari, T., Barzegar, N., Moradi, S., Arakyya, A. (2013). Analysis of the quality of industrial engineering curriculum for labor market based on job-seeking (case study). *Quarterly Journal of Human Resource Education and Development*, 1(3):129-113. (Persian).
42. Welsh, D, H.B., Tullar, W.L., Nemati, H. (2016). Entrepreneurship education: process, method, or both?, *Journal of innovation and knowledge*. 1(3): 125-132.
43. Yusuf, J-E. (2010). Meeting entrepreneurs' support needs are assistance programs effective? *Journal of small business and enterprise development*, 17 (2): 294-307.

ارجاع‌دهی

مندعلی‌زاده زینب، خسروی‌زاده اسفندیار. (۱۳۹۸). نیازسنجی آموزشی کارآفرینانه محور برنامه‌درسی علوم ورزشی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های استان مرکزی). پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۷): ۳۵-۶۲.
شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.6211.1506

Mondalizadeh Z., Khosravizadeh E. (2019). Entrepreneurial Educational Needs Assessment in the Curriculum of Sport Sciences (Case Study: Universities of Markazi Province). *Research on Educational Sport*, 7(17): 35-62. (Persian).
Doi: 10.22089/RES.2018.6211.1506

Entrepreneurial Educational Needs Assessment in the Curriculum of Sport Sciences (Case Study: Universities of Markazi Province)

Z. Mondalizadeh¹, E. Khosravizadeh²

1. Assistant Professor of Sport Management, Arak University (Corresponding Author)
2. Associate Professor of Sport Management, Arak University

Received: 2018/08/04

Accepted: 2018/10/16

Abstract

The purpose of this study was entrepreneurship educational needs assessment in the curriculum of sport sciences in Markazi Province universities. The process of needs assessment was based on Witkin and Altschuld's model (2010). The research method included two parts: quantitative and qualitative. The research population included sports science undergraduates (last year) and professors. The statistical sample of the quantitative section consisted of 148 people and that of qualitative section (Delphi panel) eight people included. Sampling method was random stratified in the quantitative section and acute cases in the qualitative section. The research tools were entrepreneurship educational status questionnaire, and curriculum goals and educational needs questionnaire (researcher-made). The face validity and content validity were confirmed by 10 experts, and the reliability coefficient was obtained based on the Cronbach's alpha coefficient (0.902, 0.90 and 0.840). Descriptive and inferential statistics were used to analyze the data. The findings showed that the entrepreneurial educational status in the sport sciences curriculum in Markazi Province was unsuitable from the viewpoint of students. The priority of entrepreneurial education needs was related to structural needs, internships, and teamwork skills. There was no significant relationship between the entrepreneurial education needs and current curriculum, and based on the Delphi approach and entrepreneurial needs, educational reformation was achieved at three levels of students, structures and professors. As a result, it seems necessary to review the curriculum and structures at the three levels of education in order to develop entrepreneurship.

Keywords: Needs assessment, Curriculum, Entrepreneurship, Markazi Province, Sport sciences

1. Email: z-mondalizade@araku.ac.ir
2. Email: es70kh@yahoo.co.uk